

۳۰ حکمت از نهج البلاغه برای رده سنی بالای ۱۸ سال

۱. حکمت ۸: اِعْجَبُوا لِهَذَا الْإِنْسَانِ يَنْظُرُ بِشَحْمٍ وَيَتَكَلَّمُ بِلَحْمٍ وَيَسْمَعُ بِعَظْمٍ وَيَتَنَفَسُ مِنْ خَرَمٍ.

از [آفرینش] این انسان در شگفت باشید که با یک تکه پیه ۱ نگاه می کند، با تکه گوشتی ۲ سخن می گوید و با تکه استخوانی می شنود ۳ و از شکافی ۴ تنفس می کند.

^۲ - منظور زبان است.

^۱ - پیه به تکه چربی می گویند که منظور امام (ع) چشم است.

^۴ - منظور امام (ع) شکاف بینی است.

^۳ - اشاره به استخوان های داخل گوش میانی.

۲. حکمت ۱۰: خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِتِمَّ مَعَهَا بَكْوًا عَلَيْكُمْ وَإِنْ عِشْتُمْ حَنُوا إِلَيْكُمْ.

با مردم آنگونه معاشرت کنید که اگر از دنیا رفتید، بر شما اشک ریزند و گریه کنند و اگر زنده بودید با شوق و اشتیاق به سوی شما آیند.

۳. حکمت ۱۱: إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.

هنگامی که بر دشمنت چیره شدی به شکرانه این پیروزی او را عفو کن.

۴. حکمت ۱۲: أَعْجِزْ النَّاسَ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَأَعْجِزْ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفِرَ بِهِ مِنْهُمْ.

ناتوان ترین مردم کسی است که در یافتن دوست ناتوان باشد و از او عاجز تر کسی است که دوستی را که یافته، از دست بدهد.

۵. حکمت ۱۳: إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النِّعَمِ فَلَا تُنْفِرُوا أَقْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ.

هنگامی که مقدمات نعمت ها به شما رسید، ادامه آن [نعمت ها] را به خاطر کم سپاسی از خود دور نکنید.

۶. حکمت ۲۵: يَا ابْنَ آدَمَ! إِذَا رَأَيْتَ رِيكَ سُبْحَانَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ نِعْمَهُ وَأَنْتَ تَعْصِيهِ فَاحْذَرُهُ.

ای فرزند آدم! هر وقت دیدی پروردگارت، پی در پی به تو نعمت می رساند، در حالی که تو معصیت او را می کنی، پس [از کيفر او] بترس *

* یعنی مراقب چون در این صورت مجازات سنگینی در انتظار توست.

۷. حکمت ۶۶: قُوْتُ الْحَاجَةِ أَهْوَنُ مِنْ طَلِبِهَا إِلَى غَيْرِ أَهْلِهَا.

از دست رفتن حاجت بهتر از آن است که آن را از [شخص] نااهل درخواست کنی.

۸. حکمت ۷۰: لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْطِئًا أَوْ مُفْطَرًّا.

انسان نادان یا در حال افراط است و یا تفریط.

۹. حکمت ۷۳: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ، وَمُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَمُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَمُؤَدِّبِهِمْ.

کسی که خود را پیشوای مردم قرار می دهد، باید قبل از تعلیم دیگران، به تعلیم خویش بپردازد؛ و پیش از آنکه بخواهد با زبانش مردم را تربیت کند، باید با عملش آنان را تربیت نماید. ** کسی که معلم و ادب کننده خود باشد، لایق احترام و تکریم بیشتر، از کسی است که معلم و مربی مردم است.

** یعنی باید دستورات دین را در عمل به مردم نشان دهد و قبل از آنها، خودش به آن عمل کند.

۱۰. حکمت ۸۹: مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ؛ وَمَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ؛ وَمَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظٌ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ.

کسی که رابطه میان خود و خدا را اصلاح کند، خدا نیز رابطه او و مردم را اصلاح خواهد کرد؛ و کسی که کار آخرتش را اصلاح کند، خدا کار دنیایش را اصلاح خواهد کرد؛ و کسی که از درون وجودش، پنددهنده ای داشته باشد، خداوند حافظ و نگاهبانی برای او قرار خواهد داد.

۱۱. حکمت ۱۱۹: مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَةِ لَيْنٍ مَسَهَا، وَالسَّمُ النَّاقِعُ فِي جَوْفِهَا، يَهْوِي إِلَيْهَا الْغَرِ الْجَاهِلُ وَيَحْذَرُهَا ذُو الدِّبِّ الْعَاقِلُ.

دنیا مانند ماری است که پوستی نرم، ولی سمی کشنده دارد. انسان نادان فریب خورده به آن علاقه پیدا می کند، ولی انسان هوشمند عاقل از آن پرهیز می کند.

۱۲. حکمت ۱۲۳: طُوبَى لِمَنْ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ، وَطَابَ كَسْبُهُ، وَصَلَحَتْ سِرِيرَتُهُ، وَحَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ، وَأَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ، وَأَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ لِسَانِهِ، وَعَزَلَ عَنِ النَّاسِ شَرَّهُ، وَوَسِعَتْهُ السَّنَةُ وَلَمْ يُنْسَبْ إِلَى الْبِدْعَةِ.

خوشا به حال کسی که خود کوچک می شمارد (ولی در نظر مردم بزرگ است)، و کسب و کارش پاک و حلال، و باطن او صالح و شایسته، و اخلاقتش نیکو است. اضافه مال خود را در راه خدا انفاق کرده و به مردم آزار نمی رساند. سنت پیامبر (ص) برای او کافی است و (به همین دلیل) بدعتی در دین نمی گذارد.

۱۳. حکمت ۱۳۴: لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ: فِي نَكَبَتِهِ، وَغَيْبَتِهِ، وَوَقَاتِهِ.

دوست انسان، دوست او نخواهد بود مگر اینکه برادرش را در سه جا از یاد نبرد: وقتی که دنیا به او پشت کرده، وقتی که حضور ندارد، و پس از مرگش. ^۱ برادر در اینجا به مفهوم دوست است.

۳۰ حکمت از نهج البلاغه برای رده سنی بالای ۱۸ سال

۱۴. حکمت ۱۴۶: **سُوسُوا إِيْمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَحَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ وَادْفَعُوا أُمُوجَ الْبَلَاءِ بِالْإِعْتِدَاءِ.**

ایمانتان را با صدقه حفظ کنید و اموالتان را با زکات نگهدارید و امواج بلاء را با دعا دور نمایید.

۱۵. حکمت ۱۹۲: **يَا ابْنَ آدَمَ! مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قُوَّتِكَ، فَأَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِّغَيْرِكَ.**

ای فرزند آدم! آنچه بیش از مقدار خوراک و قوت روزانهات بدست آوری، خزانه دار آن برای دیگران خواهی بود.

۱۶. حکمت ۲۰۳: **أَيُّهَا النَّاسُ! اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِنْ قُلْتُمْ سَمِعَ، وَإِنْ أَضْمَرْتُمْ عَلِمَ؛ وَبَادِرُوا الْمَوْتَ الَّذِي إِنْ هَرَبْتُمْ مِنْهُ أَدْرَكَكُمْ، وَإِنْ أَقَمْتُمْ أَخَذَكُمْ، وَإِنْ نَسِيتُمْوهُ ذَكَرَكُمْ.**

ای مردم! بترسید از خدائی که اگر سخنی بگوئید، می شنود؛ اگر چیزی را پنهان کنید، می داند؛ و برای مرگی آماده باشید که اگر از آن فرار کنید، به شما می رسد؛ و اگر برجای خود بمانید، شما را می گیرد؛ و اگر فراموشش کنید، شما را از یاد نمی برد.

۱۷. حکمت ۲۰۸: **مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِيحَ، وَمَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرَ، وَمَنْ خَافَ أَمِنَ، وَمَنْ اِعْتَبَرَ أَبْصَرَ، وَمَنْ أَبْصَرَ فَهِمَ، وَمَنْ فَهِمَ عَلِمَ.**

کسی که به حساب خودش برسد، سود می برد؛ و کسی که از خود غفلت کند، زیان می بیند؛ کسی که (از خدا) بترسد، ایمن می شود؛ و کسی که عبرت گیرد، بینا می شود؛ و کسی که بینا شد، می فهمد؛ و کسی که بفهمد، دانا می شود.

۱۸. حکمت ۲۲۰: **لَيْسَ مِنَ الْعَدْلِ الْقَضَاءُ عَلَى الثَّقَةِ بِالظَّنِّ.**

داوری کردن درباره افراد، [تنها] با تکیه بر حدس و گمان از عدالت به دور است.

۱۹. حکمت ۲۲۴: **بِكَثْرَةِ الصَّمْتِ تَكُونُ الْهَيَبَةُ؛ وَبِالنِّصْفَةِ يَكْثُرُ الْمُوَاصِلُونَ وَبِالْإِفْضَالِ تَعْظُمُ الْأَقْدَارُ، وَبِالتَّوَاضُّعِ تَتِمُّ النِّعْمَةُ...**

سکوت فراوان، وقار و ابهت می آورد؛ و انصاف موجب می شود دوستان انسان زیاد شوند؛ و با بذل و بخشش، منزلت انسان بالا می رود؛ و با فروتنی، نعمت کامل می شود...

۲۰. حکمت ۲۲۶: **الطَّامِعُ فِي وِثَاقِ الذِّلِّ.**

انسان طمع کار، همیشه گرفتار ذلت است. (انسان طمع کار همیشه ذلیل است)

۳۰ حکمت از نهج البلاغه برای رده سنی بالای ۱۸ سال

۲۱. حکمت ۲۲۷: وَسُئِلَ عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ: الْإِيمَانُ مَعْرِفَةُ بِالْقَلْبِ وَإِقْرَارُ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ.

از امام علیه السلام درباره تفسیر ایمان سوال شد. پس فرمود: ایمان شناخت قلبی (خدا)، و اقرار با زبان و عمل با اعضا و جوارح است.

۲۲. حکمت ۳۳۰: أَقَلُّ مَا يُلْزَمُكُمْ لِلَّهِ أَلَّا تَسْتَعِينُوا بِنِعَمِهِ عَلَى مَعَاصِيهِ.

کمترین حقی که برای خدا رعایتش لازم است اینکه با استفاده از نعمتهایش، او را نافرمانی نکنید.

۲۳. حکمت ۲۳۷: إِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً، فَتِلْكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ؛ وَإِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً، فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ؛ وَإِنْ

قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا، فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ

گروهی خدا را از روی میل و رغبت (به بهشت) عبادت می کنند، این عبادت تاجران است؛ و گروهی خدا را از روی ترس (از جهنم) می پرستند، پس این عبادت بردگان است؛ و گروهی خدا را برای شکر نعمتهایش می پرستند، پس این عبادت آزادگان است.

۲۴. حکمت ۲۵۴: يَا ابْنَ آدَمَ! كُنْ وَصِي نَفْسِكَ فِي مَالِكَ، وَاعْمَلْ فِيهِ مَا تُؤْتِرُ أَنْ يُعْمَلَ فِيهِ مِنْ بَعْدِكَ.

ای فرزند آدم! تو خود وصی خویش در اموال و ثروت باش! امروز طوری به آن عمل کن که می خواهی بعد از تو (طبق وصیت) عمل کنند.

۲۵. حکمت ۳۰۴: إِنْ الْمُسْكِينُ رَسُولُ اللَّهِ، فَمَنْ مَنَعَهُ فَقَدْ مَنَعَ اللَّهَ، وَمَنْ أَعْطَاهُ فَقَدْ أَعْطَى اللَّهَ.

انسان مستمند، فرستاده خدا است. کسی که از کمک به او دریغ دارد از خدا دریغ داشته و کسی که به او عطا و بخشش کند به خدا عطا کرده است.

۲۶. حکمت ۳۱۲: إِنْ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالًا وَإِدْبَارًا، فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النِّوَابِلِ، وَإِذَا أُدْبِرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ.

دلهای انسانها گاهی پرنشاطند و گاه بی نشاط. آنگاه که پرنشاطند آنها را به انجام مستحبات نیز وادار کنید و آنگاه که بی نشاطند تنها به انجام فرائض و واجبات قناعت جوئید.

۲۷. حکمت ۳۵۳: أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلُهُ.

بزرگترین عیب آن است که آنچه خود دارای آن هستی بر دیگران عیب بشماری.

۲۸. حکمت ۳۷۸: الْبُخْلُ جَامِعٌ لِمَسَاوِي الْعُيُوبِ وَهُوَ زِمَامٌ يُقَادُّ بِهِ إِلَى كُلِّ سُوءٍ.

بخل جمع تمام عیبهاست، و گویا مثل افساری است که انسان را به سوی هر بدی می کشاند.

۳۰ حکمت از نهج البلاغه برای رده سنی بالای ۱۸ سال

۲۹. حکمت ۳۸۰: رَبُّ مُسْتَقْبَلِ يَوْمٍ لَيْسَ بِمُسْتَدْبِرِهِ، وَمَغْبُوطٌ فِي أَوَّلِ لَيْلِهِ قَامَتْ بَوَاكِيهِ فِي آخِرِهِ.

بسیار بودند کسانی که در آغاز روز زنده بودند اما روز را به پایان نبردند و چه بسیار کسانی که در آغاز شب زندگیشان مورد غبطه مردم بود اما پایان همان شب عزاداران به سوکشان نشسته بودند.

۳۰. حکمت ۴۶۱: الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ.

غیبت کردن، کار و تلاش انسان‌های عاجز و ناتوان است

برای شرکت در مسابقه حکمت‌های علوی تا تاریخ ۱۳۹۸/۰۱/۳۰ فرصت دارید به آدرس

<https://nahj-ol-bal-aghe.farhangsarai.ir/> فرهنگسرای نهج البلاغه مراجعه و به ۱۵ سوال بر مبنای

۳۰ حکمت منتخب جواب مناسب دهید.



سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران
فرهنگسرای نهج البلاغه

فرهنگسرای نهج البلاغه